

خط‌جهد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / دی ۱۴۰۱ شماره ۱۲

سخن نخست

مادر و فرزند جهادی

روح‌الله جلالوند

لباس کار که می‌پوشد، بیبل و کلنگ را که دست می‌گیرد، به این فکر می‌کند که «کی می‌شود یک روز در بنای حرم تو شرکت کند». آن دفعه که آمده مدینه‌ی تو خیلی به غیرتش برخوردی که دختر دردانه پیامبرﷺ خاتم «مخفیة قبرها» باشد. حالا هم دارد خودش را می‌سازد؛ هم جسمش را و هم روحش را؛ پشت پیراهنش نوشته «بسوی بقیع» یعنی این دیوار را هم که بالا می‌برد به نیت دیوار خانه توست. این را فقط یک شعر ساده نمی‌دانم؛ عمق راهبردی‌اش چیزی در حد «راه قدس از کرپلا می‌گذرد» است. مگر تو هم نمی‌نشستی سر راه کاروان‌ها تا صدای گریه‌ات برسد به نواحی دوردست عالم؟ خب این اتفاق افتاد! او فریاد تو را شنید. حالا خودش کاروانی راه انداخته؛ همه جا از تو می‌گوید، و تا جان‌ها را مشتاق‌تر کند برای جلب مهربانی تو، خدمت می‌کند به همه، حتی به آنکه عقیده‌اش چیز دیگری است بلکه آن کاری را کند که تو کردی؛ فریادی باشد علیه ظلم و گامی باشد در راه حق. پدرت حاکم بود، حاکم کل، پایتخت حکومتش هم همان مدینه بود نه جای دوری که نتوان به آن دست پیدا کرد ولی تو به جای آنکه یتیم و اسیر و فقیر را به دولت حواله دهی، از افطار خود و فرزندان‌ت می‌زنی تا گرهی واکنی از دستان دولت یاکه نه، کار عالم را پیش ببری! ای مادر عالم!

بی‌خود نیست جهادی‌ها راحت‌تر مادر صدایت می‌کنند! همه جوره به خودش رفته‌اند! مادری‌اند! دلشان ریش می‌شود وقتی فقیری می‌بینند، تو گردن بند می‌دهی و لباس عروسی‌ات را و او به دستان خالی‌اش نگاه می‌کند و باز رویش، آبرویش؛ همین را می‌گذارد وسط و کم نمی‌گذارد. آخر سر هم شرمنده است که چرا دیدم! چرا بیشتر نمی‌تواند بماند، چرا به همه نمی‌تواند برسد؟ چرا و چرا و چرا؟

یکی از چراهایش همین است که چرا هر کس خدمتی کند در چشم خلق ارج و قربی می‌یابد ولی تو که این همه خدمت کردی آن همه ظلم دیدی؟! گاهی فکر می‌کنم آن که گردن بند گرفت، آن که لباس عروسی‌ات را گرفت، آن یهودی‌ها که مسلمان شدند، آنها کجا بودند آن زمان که تو خودت را به در و دیوار می‌زدی یا بهتر بگویم آن هنگام که تو را …

رهنمود

نکته‌ای که در زندگی این بزرگوار مهم است، جمع بین زندگی یک زن مسلمان است در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در داخل خانه؛ با وظایف یک انسان مجاهد غیور خستگی ناپذیر.
[رهبر معظم انقلاب ﷺ ۱۳۶۸/۹/۲۲]



اندکی پیش از نماز مغرب، جایی در کوچه‌ی هدایت خیابان صفائیه، در حالی که به آرامی قدم بر می‌داشتم، منتظر رسیدن آیت‌الله سید علی حسینی میلانی بودم تا یک گفت‌وگوی صمیمی با ایشان داشته باشم.
وقتی با دردهایی که پشت آرامی حرکاتش پنهان بود از پژوی قدیمی پیاده شد، جلو رفتم و بعد از سلامی و علیکی کوتاه، خیره، پشت سرش راه افتادم و وارد دفترش شدم.
خواندن نماز جماعت بدون حضور هیچ کس دیگری و دقیقاً پشت سر یکی از مجتهدان زبردست شیعه، آن چنان لذتی داشت که از یاد نمی‌رود ولی در آن لحظات تمرکز نماز، آن چیزی که توجه مرا به خود جلب کرد، سادگی غیر قابل وصف اتاق و صندلی‌ها و کهنگی فرش و سجاده‌ی آیت‌الله حسینی میلانی بود.
پس از اتمام راز و نیاز، به آرامی روی صندلی نشست و من، در سمت چپ‌اش، دفتر و تلفن همراه خود را روی میز کوچک روبرویم گذاشتم تا مصاحبه را شروع کنم.
_نگفته بودید خبرنگارید! ای‌خواهید صدا ضبط کنید؟!

گفت‌وگو

عالی را ضبط کنم؟

_ خیر. نیازی به ضبط صدا نیست. سپس به همان آقایی که قبلاً وقت این مصاحبه را معین کرده بود و همچنین ایشان را با ماشین آورده و سایر کارهای دفتر را انجام می‌داد اشاره نمود تا او مطمئن شود من صدایی را ضبط نمی‌کنم.

برای اطمینان، تلفن همراهم را خاموش کردم و گوشه‌ی میز گذاشتم و گفتم: پس اگر موافق باشید، خودم سؤالاتی را که دارم مطرح کنم.

_بله… شما گفته بودید که سؤالاتی دارید. بفرمایید. ما در خدمتیم.

_بنده مطالعه کرده بودم و این طور دیدم که پدربزرگ شریف‌فان، آیت‌الله میلانی بزرگ، کارهای خدایسندانه و عام‌المنفعه‌ی بسیاری داشته‌اند. در مشهد، در سراسر ایران و حتی برای مسلمانان خارج از ایران و در آن فضای سرد و سنگین اروپا، مثل هامبورگ آلمان.

_کاملاً درست است. ان‌شاءالله خدا از ایشان قبول بفرماید.

_خواندم که ایشان به شکل ویژه‌ای برای مردم کم‌برخوردار خانه می‌ساختند و حتی آن خانه‌ها را به نامشان می‌زدند. اسناد و مدارکی در این باب وجود دارد؟

_بله البته. برخی هست و برخی از بین رفته‌اند. با این حال، در یادهای مردم و از همه مهم‌تر در نزد خداوند حاضر است.

کمی سر جای خودم تکان خوردم و پرسیدم: در زلزله‌ی فردوس و کاخک سال ۱۳۴۷، ایشان مردم را بسیج کردند و با کمک‌های مردمی و خیرین، این دو شهر را برای ساکنین‌اش بازسازی کردند. این رفتارها بر اساس چه عقیده و اندیشه‌ای رخ می‌داد؟
_ایشان و همه‌ی علما -این‌طور نیست که خاص به ایشان باشد- همه‌ی علما و همچنین آقای میلانی بزرگ، فکرشان این بود هر طور که بشود مذهب را ترویج داد، باید وارد عمل شد. یکی از این موارد که می‌تواند مذهب را بین مردم رواج دهد و دین خدا را بشناساند، نشان دادن خیراتی است که در دین و دین‌داری هست. مردم ببینند که آن‌کسی که داعیه‌دار اسلام است،

مدعی سعادت آخرت است، در ساختن دنیا و حل کردن این مشکلات موقتی مردم هم توانا است. اصلاً این توانایی، ناشی از همین عقاید و تفکرات است و این توانایی را خداوند به مؤمنین می‌دهد. البته که هدف از ترویج دین با این کارهای عام‌المنفعه و انفاق، رضایت پروردگار است. هدف این بود.

_ شکل و روش فعالیت‌های جهادی و خدمت‌رسانی آیت‌الله میلانی چگونه بود؟
_ایشان از حوزه‌های علمیه و مساجد شروع می‌کردند. در همان زلزله که گفتید، ایشان طلاب را فرستاد تا اول یک چادری بزنند با نام مسجد و بعد از همان جا کارها را سامان بدهند. مسجد را بسازند تا نقطه‌ای برای اصلاح زندگی و اخلاق و روابط مردم باشد. برای تربیت چنین طلابی هم لازم بود حوزه‌ی علمیه در مشهد تأسیس شود که ایشان به نحو احسن به انجام رساند و ان‌شاءالله خداوند اجرشان را بیفزاید.

_چه هدفی پشت ساخت مسجد و مدرسه بود و چه نقشی در ترویج مذهب ایفا می‌کرد؟
_ایشان اعتقاد داشتند که روحانیت، حوزه‌های علمیه و علما، نمایندگان امام زمان هستند و در این باب، وظایفی دارند. بنابراین به طلاب گفته بودند به هر کسی که بپرسید برای چه آمدید، بگویند ما از طرف امام زمان آمده‌ایم برای انجام وظیفه، برای خدمت.

در جریان زلزله‌ی فردوس و کاخک، ایشان گفته بود که روی یک تابلو بنویسند که این جا محل استقرار و خیمه‌ی سربازان و نمایندگان ولی عصر است؛ آن را هم بزنند و روبروی همان چادری که به عنوان مسجد شناخته می‌شد.

_بنابراین، ایشان فعالیت‌های بسیاری داشتند که هیچ وقت نامی از آن نمی‌بردند. چون مسئله‌ی اصلی ایشان، جلب رضایت خدا با خدمت‌رسانی بوده است. شما از مسائل خبر دارید که تا حالا گفته نشده؟
_ببینید، ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام، خیلی بیشتر از همه‌ی علما و فقها کارهای این طوری داشتند. بسیاری از آن‌ها هم گفته شده و اگر گفته نمی‌شد، ما هیچ وقت این مطالب را یاد نمی‌گرفتیم و درک نمی‌کردیم

خیمه مقدّس

گفتگوی «خط‌جهد» باآیت‌الله سیدعلی حسینی میلانی



مدیریت حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی

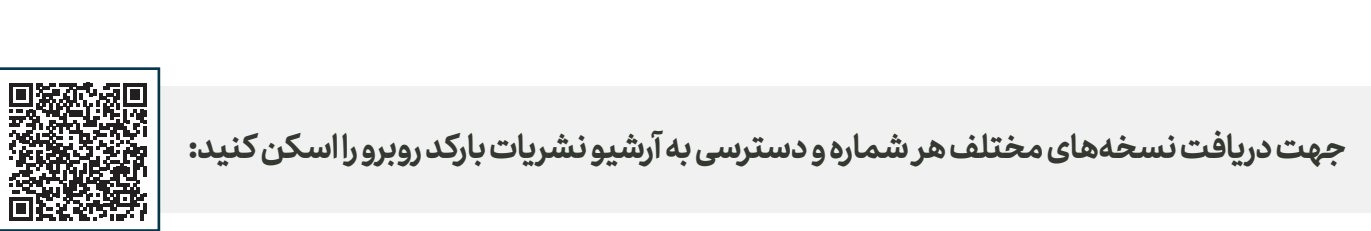
اثرمحمدحسن نویی

کتاب را که ورق می‌زنی، جزیی‌نگری‌اش نظرت را جلب می‌کند و در عین حال، مبانی و کلیات را نیز از دست نداده‌ای [البته که معمولاً اختلافی در کلیات نیست و بیشتر اگر اختلافی هم هست در اجراست]. می‌گرددی که سرنخی، راهکاری، اکسیری در این کتاب بیابی تا به کار بگیری و آسیب‌های موجود را برای رسیدن به اهداف عالیه برطرف نمایی. مسئولان زمان پهلوی رو نمی‌انداختند یا خودشان مسئولیت نمی‌پذیرفتند؟ آیا اعتقاد داشتند که خدمت‌رسانی، با سازمان و بودجه‌ی دولتی قابل تحقق نیست؟
_جدّ ما این طور بود که اگر در جایگاهی قرار می‌گرفت، از تمام امکانات آن برای خیر و برای ترویج اسلام بهره می‌گرفت. فلذا این پهلوی‌ها بودند که اصلاً همکاری نمی‌کردند و به فکر مردم و این چیزها نبودند.

_اساتید دیگر شما مثل آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در این زمینه‌ی خدمت‌رسانی چه سیره‌ای دارند؟ شما خاطره‌ای از ایشان دارید؟

_بله.این مسائل بسیاراست.ولی بهتراست از این شاخه به آن شاخه نپریم. یک وقت دیگری ان‌شاءالله دراین مورد صحبت کنیم. پذیرفتم. چایم تمام شده بود و سؤالاتم به همراه آن به ته استکان رسیده بود. چند نفری هم آمده بودند و منتظر بودند تا بتوانند مسئله‌شان را از آیت‌الله بپرسند. بنابراین، دفترم را بستم، تلفنم را برداشتم و روشن کردم و آن گاه، با کوله‌پاری از اندیشه و عمل آیت‌الله میلانی، از آن جا خارج شدم.

متن کامل گفت‌وگو را در پایگاه اطلاع‌رسانی جهادگران حوزوی بخوانید.



جهت دریافت نسخه‌های مختلف هر شماره و دسترسی به آرشیو نشریات بارکد روبرو را اسکن کنید:

همراه شوید

از همان اول، بنا نداشتیم که فقط گوینده باشیم؛ می‌خواهیم دعوتان کنیم به نوشتن در این نشریه. شما هم می‌توانید یک ستون، یا تمام محتوای نشریه را به عهده بگیرید و حرفهایتان را از این تریبون به گوش طلبه‌ها برسانید.
در شناسه @khatejihad_admin|ایتما منتظر مطالب و نظرات شما هستیم.

📍ارتباط با ما

📧 khatejihad_admin@khatejihad.com | 📠 www.jahadgaranhowzavi.com/mag

📞 ۰۲۰-۳۲۹۴۱۱۰ | 📧 khatejihad.mag@gmail.com
ماهنامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی | سال اول | ماه دوازدهم | شماره ۱۲
صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور
مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی| سردبیر: روح‌الله جلالوند|مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی‌نیا
نویسندگان: روح‌الله جلالوند، مسلم عارف، ریحانه سادات هاشمی(شهیدی) |اسایت: مصطفی‌عربی

توزیع حقاها

وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا ﴿۱۶﴾

و حقّ نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن! (۱۶)

سوره مبارکه اسراء آیه ۲۶



کلام معصوم

سوی خانه فاطمه علیها السلام

روایت شیرینی از زندگی حضرت زهرا علیها السلام

أَقْبَلَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شَبِيحٌ مِنْ مَهَاجِرَةِ الْعَرَبِ عَلَيْهِ سَمَلٌ قَدْ تَهَلَّلَ وَ اخْتَلَقَ فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَنَا جَانِعُ الْكَيْدِ فَأَطْعَمْنِي وَ عَارِيَ الْجَسَدِ فَأَكْسِنِي وَ قَفِيرٌ فَأَرشِنِي فَقَالَ مَا أَحَدٌ لَكَ شَيْئًا أَنْظِلْنِي إِلَى مَنْزِلٍ مِنْ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ يُؤْتِرُ اللَّهُ عَلَيَّ نَفْسِيهِ أَنْظِلْنِي إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ

پیر مردی از مهاجرین عرب بالباس‌های کهنه نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا! **گرسنه‌ام** غدایم ده، برهنه‌ام مرا ببوشان، فقیرم بی‌نیازم کن. پیامبر فرمود: چیزی ندارم به تو بدهم، به سوی خانه کسی برو که خدا و رسولش هم را دوست دارد، خدا و رسول هم دوستش دارند، کسی که خدا را بر خود مقدم می‌دارد، به سوی خانه فاطمه برو.

[منبع: بشارةالمصطفى لشعبةالرمثی،ص:۱۳۸]

📖 **دست‌نوشته**



📖 **قاضی بلدالصواریخ!**
مسلم عارف

که به نام و خدمات آیت‌الله سید مجدالدین قاضی دزفولی گره خورده است. کسی که با وجود برپایی ایستگاه‌های صلواتی، ارسال کمک‌های مردمی به جبهه، یاری رسانی به مردم آسیب‌دیده از حملات موشکی، کمک مالی به مردم و تقویت روحیه‌ی آنان با حضور مستمر خود، همیشه دست زرمندگان و خادمان پشت جبهه را می‌بوسید.

دست‌نوشته

ریحانه سادات هاشمی(شهیدی) ، استاد حوزه و عضو هیئت علمی مؤسسه رهپویان سید الشهداء علیهم‌السلام

کرد از تمامی امکانات خود در این مسیر گام برداشته و در هر موقعیتی از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام دفاع نماید. نمود این امر هنگامی بود که کارگزاران ابوبکر برای گرفتن بیعت به در خانه‌ی علی علیه السلام رفتند، حضرت فاطمه علیها السلام آن‌ها را با سرزنش باز را در این امر مشاهده نمود، با بیانات خود سفارش‌های رسول الله صلی الله علیه و آله را یادآور گردید و موجب تحریک افکار عمومی گردید،^۱ الگوگیری بانوان شیعه پس از انقلاب در این عرصه چنان گسترش یافت که در زمینه‌ی علوم مختلف به ویژه علوم اسلامی بانوان رشد چشمگیری در حوزه و دانشگاه یافته و گوی سبقت را از بانوان غربی ربودند.^۲ از لحاظ اقتصادی حضرت فاطمه علیها السلام درآمد

فدک را در راه خدا خرج کرده و بین مسلمین به ویژه بینوایان توزیع می‌کرد. فدک از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام هبه شده بود، ولی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله این اموال از طریق خلیفه‌ی وقت از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته شد و جزء بیت‌المال قرار گرفت.^۸

^[1] رک: انصاری، الموسوعة الكبرى عن فاطمة

^[2] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰

^[3] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰

^[4] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰

^[5] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰

^[6] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰

^[7] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰

^[8] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰

^[9] ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج۱، ص ۳۰